

## مطالعه تطبیقی ایده ساختارشکنی در آثار طراحی لباس یاماموتو و مارجلا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰

کد مقاله: ۳۹۸۱۴۶

بهناز قائدی<sup>۱\*</sup>، الدوز خودی<sup>۲</sup>

### چکیده

در میان سبک‌های مختلف هنری، طراحان ایده ساختارشکنی با تأکید بر روش‌های مفهومی و تغییر شکل یافته متأثر از مکتب فلسفی و پست‌مدرن ژاک دریدا فیلسوف و منتقد ادبی دهه ۱۹۶۰، با تحلیلی انتقادی نسبت به نگرش‌های قطعیت‌گرای مدرنیسم و اصول زیبایی‌شناسی دست به اجرای آثار هنری خود زدند. در دنیای مد نیز طراحان ساختارشکن در مجموعه آثارشان با برش‌ها و ترکیب‌بندی‌های نامتقارن در انواع پارچه‌ها، به کارگیری مواد نامتجانس و تغییر کاربردی و ماهیتی اشیاء به فرم لباس، یا اجزای مفهومی مد، اصول رایج در طراحی لباس را به چالش کشانده‌اند. ساختارشکنی ابتدا در دهه ۱۹۸۰ توسط طراحان مد آوانگارد ژاپنی از جمله یوجی یاماموتو در پاریس دنیای غرب را به چالش کشاند و در انتهای این دهه الهام‌بخش طراح مطرح ساختارشکن دهه ۱۹۹۰ یعنی مارتین مارجلا شد. مهم‌ترین پرسش این پژوهش آن است که تفاوت‌های میان شاخصه‌های طراحی لباس یاماموتو و مارجلا چیست؟ در پاسخ، این مقاله به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و ماهیت توصیفی تحلیلی، و روش‌های نمونه‌گیری آثار به شکل احتمالی و طبقه‌بندی شده انجام گرفته است. بدین ترتیب، شش اثر از هر طراح با تکنیک‌های ساختارشکنی مورد نظر دو به دو طبقه‌بندی شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌ها به شکل جدولی اجرا شده است. در نتیجه مقایسه آثار منتخب این دو طراح مد مشخص شد ویژگی‌های آثار یاماموتو اغلب به شکل‌های لایه‌لایه، ساین آزاد، فرم‌های حجمی، ارجاع تاریخی در مد احیایی و کارکردگرایی دیده می‌شود. در حالی که، در آثار مارجلا فرم‌های راسته یا تن‌خور، بریکلاژ، بازیافت و کمتر کاربردی بودن رویت می‌شود.

واژگان کلیدی: ساختارشکنی، پست‌مدرن، طراحی لباس، یاماموتو، مارجلا

۱- کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول) [bgh.4096@gmail.com](mailto:bgh.4096@gmail.com)

۲- دکترای پژوهش هنر، دانشگاه هنر تهران